درنگ

فاصله از سینمای اجتماعی موجب بحران‌های سیاسی بیشتری می‌شود

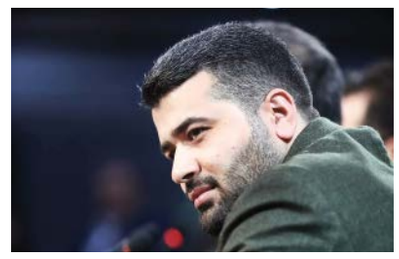

محمود بابایی، تهیه‌کننده فیلم «بعد از رفتن» با اشاره به ناآرامی‌های اخیر در کشور با اشاره به جایگاه سینمای اجتماعی در حل بحران‌ها گفت: آنچه که در کف خیابان در اتفاقات اخیر رخ داد ناشی از عدم توجه کافی به مسائل اجتماعی روز در جامعه است. برخی شعارها در حوادث اخیر نشان داد جایگاه خانواده به‌خصوص جایگاه پدر دچار خدشه شده است. به نظرم در شرایط کنونی از نظر اجتماعی دورانی شبیه کشور ژاپن در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی را پشت سر می‌گذاریم. در آن مقطع فیلم‌های اجتماعی کوروساوا و اوزو به خاطر نگاه دقیق به سنت‌های خانوادگی به عامل بازدارنده‌ای تبدیل شد تا ژاپن رو به توسعه از سنت‌های اجتماعی‌اش عبور نکند و در ژاپن رو به توسعه آن دوران اهمیت و جایگاه خانواده حفظ شود. این فیلم‌ها و سازندگانش به همین دلیل در تاریخ سینما ماندگار شدند. بابایی با اشاره به مضمون فیلم بعد از رفتن، بیان کرد: ما در این فیلم تلاش کردیم سینمای اجتماعی را در مسیر درست حفظ کنیم. بعد از رفتن، یکی از معدود فیلم‌های است که با همین نگاه ساخته شد و مؤلفه‌های رایج سینمای اجتماعی مثل زوال و اضمحلال فردی، روحیه انفعالی، خانواده گریزی را همچون ویروسی دستمایه اثر قرار داد تا با پیشبرد اهداف صحیح دراماتیک مخاطب را واکسینه کند. او ادامه داد: شاکله روایت فیلم با ویروس‌های نمایشی معمول سینمای اجتماعی تولید شد اما از ترکیب تمامی این ویروس‌ها، واکسن درمانگری اجتماعی تولید می‌شود. ضمن این‌که باید به مخاطبان فیلم توصیه کرد که توصیف فیلم در این متن با خروجی محصولی که روی پرده نمایش داده می‌شود، بسیار متفاوت است. ما با اتکا به فرم و ساختاری غیرشعاری، این اثر دشوار را به سرمنزل مقصود رساندیم. این تهیه‌کننده افزود: کانونی‌ترین نقطه اثرگذار فیلم بعد از رفتن توجه به جایگاه رفیع پدر است و بررسی تقابل سه نسل از زوایایی متنوع بررسی می‌شود و فیلم با لحنی واقع‌گرایانه و بدون شعار این شاخصه را برجسته می‌کند. از منظری متفاوت، می‌توان به این موضوع در متن اثر توجه داشت که اهمیت جایگاه «پدر» برای جامعه ایرانی دارای یک جایگاه سمبلیک است. پدر از زوایه فیلم مردی مبارز و آینده‌نگر است، نمادی که با فرزندانش برای حفظ سنت‌ها و برای آنان مبارزه می‌کند. بابایی توضیح داد: بعد از رفتن برای این‌که پیام متعالی‌اش مشمول کلیشه‌های مرسوم نشود، روایت خود را آن‌طور ارائه می‌کند که مخاطب ایرانی می‌پسند. به نظرم نخستین ساخته رضا نجاتی مثل حل کردن جدول متقاطع است و از این منظر تماشای فیلم برای مخاطب بسیار دلچسب به نظر می‌رسد. وقتی تماشاگر به صورت تدریجی وارد جهان روایت می‌شود، احساس می‌کند باید در حل این جدول متقاطع دراماتیک، پازل‌ها را به‌تدریج کشف کند و کنار هم بچینند. جهان فیلم در مسیری طبیعی از سیاهی به سوی سپیدی حرکت می‌کند و شخصیت‌ها تحت تاثیر این حرکت دراماتیک موقعیت خود را تغییر می‌دهند. بابایی با اشاره به همکاری با بنیاد فارابی گفت: بعد از رفتن، نسبت به تمام آثار اخیر فارابی با کیفیت‌ترین بازیگران و راهبردی‌ترین روایت را انتخاب کرده است. این فیلم بدون خودنمایی‌های مرسوم و با بررسی دقیق سکانس‌های مهم فیلم می‌توان دریافت بازیگران به متن و کارگردانی کاملا وفادار بوده‌اند. حتی برای نقش‌های فرعی بازیگران کارکشته‌ای در فیلم ایفای نقش می‌کنند. باید تاکید کنم هیچ بازیگری در این فیلم نیست که متهم به کوتاهی و کم‌کاری شود بهرام شاه‌محمدلو (آقای حکایتی محبوب)، پانته‌آ پناهی، پوریا رحیمی‌سام، سارا بهرامی و صابر ابر ارائه ممتاز و متفاوتی را در این فیلم به نمایش می‌گذارند. اگر هیات داوران نگاه منصفانه‌ای در کنار یک رویکرد راهبردی برای اعطای سیمرغ داشته باشد، بهرام شاه‌محمدلو سزاوار دریافت این جایزه است. این تهیه‌کننده درباره همکاری با عوامل باتجربه و جوان در این فیلم گفت: از دیگر عناصر قابل‌توجه فیلم در مقایسه با آثار بیگ پروداکشن جشنواره می‌توان به فیلمبرداری بسیار سطح بالای آن اشاره کرد که دستاورد فنی هم محسوب می‌شود، آرمان فیاض که صدها فیلم کوتاه فیلمبرداری کرده است و تجربه ساخت فیلم کوتاه را دارد، سال گذشته فیلمبرداری «برف آخر» را به‌عهده داشت و تصویربرداری «کت چرمی» از جمله فعالیت‌های این فیلمبردار سینما محسوب می‌شود اما شیوه تصویربرداری او در بعد از رفتن بسیار ویژه است. فیلم صحنه‌آرایی فوق‌العاده‌ای دارد که بازهم در مقایسه با فیلم‌های پرهزینه تلاش چشمگیری به شمار می‌آید. بابایی در پایان گفت: امیدوارم با گذشت زمان جنگیدن در حوزه‌های اجتماعی و ساخت فیلم‌های آسیب‌شناسانه اهمیت و ارزش بیشتری پیدا کند ما در فیلم بعد از رفتن، نگاه‌مان اصلاح و ترمیم بود برخلاف آنچه در سینمای اجتماعی امروز می‌بینیم. ما نشان دادیم که یک خانواده با هم مشکل دارند اما بدون قتل و تجاوز از پس مشکل بر آمدند ضمن آن‌که بحث آموزش بدون شعار در اولویت کارمان بود. امیدوارم که این نقطه‌نظر استراتژیک از نگاه داوران امسال جشنواره دور نماند.

فیلم «آنها مرا دوست داشتند» به روایت بازیگر و فیلم‌بردار:

انسانیت در تقابل ثروت و قدرت

مهسا اسماعیلی: هیچ‌وقت برای سیمرغ بازی نمی‌کنم

احمد محمداسماعیلی
گروه فرهنگ و هنر

«آنها مرا دوست داشتند» ازجمله فیلم‌هایی است که در روزهای پایانی جشنواره فیلم فجر در پردیس ملت (سینمای اصحاب رسانه و منتقدان) نمایش داده می‌شود و پنجمین تجربه سینمایی محمدرضا رحمانی در مقام کارگردان به‌شمار می‌رود که تهیه‌کنندگی آن را نیز به عهده دارد. فیلمبرداری آنها مرا دوست داشتند در اسفند ۱۴۰۰ به مدیریت ابوالفضل نباتی انجام شد که غرب و جنوب تهران لوکیشن‌های فیلمبرداری این فیلم بودند. در این فیلم لیلا بلوکات گریم متفاوتی دارد که از نقش‌های قبلی او متمایز است. همچنین مهسا اسماعیلی جزو بازیگران نقش اول آنها مرا دوست داشتند اولین تجربه سینمایی خود را روبه‌روی دوربین از سر می‌گذراند و یکی از چهره‌ها و ازجمله بازیگران جدیدی است که در این فیلم نقش‌آفرینی کرده. حضور این بازیگر در نقش اول در شروع راه بازیگری به نظر چالش سختی است که در گفت‌وگویی که با این بازیگر داشتیم، از چگونگی انتخاب شدنش برای آنها مرا دوست داشتند صحبت کرده است که در ادامه این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

؟ چطور برای بازی در نقش مهشید آنها مرا دوست داشتند انتخاب شدید؟

دوره‌های آموزشی و آزاد بازیگری زیادی را پشت سر گذاشته‌ام و چندین سال است که در آکادمی بازیگری آوین آموزش دیدم و همین موجب حضورم در آنها مرا دوست داشتند شد. شروع کارم در این فیلم با نقش کوتاه یک‌دقیقه‌ای بود و بعد اتفاقاتی در زمینه کست و مشکلات کاری رقم خورد که در چند ماه پیش‌تولید، ناخودآگاه با نقش‌های متعددی روبه‌رو شدم و این برایم تجربه آفرینش خیلی خوبی رقم زد که هم نقش‌ها را تمرین و هم حفظ می‌کردم و هربار هم تست گریم می‌شدم تا این‌که در لحظات آخر قسمت این بود که نقش اول را بازی کنم. این فیلم برای من مانند یک سفر از تمام اتودهایی که زدم تا به مقصد برسم بود. در حقیقت این راه برایم مثل رسیدن به قله بود؛ هرچند که این قله آغاز راه رسیدن به مسیر دیگری است. وقتی فیلم را می‌بینیم تمام آن نقش‌های مکمل را آن‌قدر خوب بازی کردند که دوست دارم و حتی اگر نقش کوتاهی در این فیلم داشتم، اتفاق و تجربه خوبی برایم بود.

؟ ویژگی‌های نقش «مهشید» چه بود که شما را ترغیب به بازی در آن کرد و برای ایفای آن با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

مهشید زنی است که سال‌هاست ازدواج کرده و بچه‌دار نمی‌شود و عروس خانواده‌ای است که پدرشوهرش وزیر و شخص سمت‌داری است و به عبارتی با یک آقازاده ازدواج کرده است. بنابراین، هضم ابعاد این شخصیت برایم خیلی جذاب بود. شخصیت مهشید چه از لحاظ جایگاه که یک مادر محسوب می‌شود و چه از لحاظ سنی که با سن حقیقی خودم فاصله زیادی دارد، برایم یک چالش بود که خداراشکر با کمک بازیگردان و کارگردان من در این شرایط قرار گرفتم تا توانستم موقعیت این شخصیت را درک کنم. همین که بتوانم خودم را در قالب نقشی قرار دهم که هیچ‌وقت تجربه نکردم و ورودم به سینما با نقش اول و همکاری با بازیگران باتجربه، برایم اتفاق جذابی بود.

؟ با توجه به شعار جشنواره که اخلاق و آگاهی است، این فیلم چه پیامی برای مخاطب دارد؟

آنها مرا دوست داشتند فیلمی انسانی است و پیامش این است که ثروت و قدرت هرچقدر هم بتواند مبنا و معیار قرار گیرد اما انسانیت، اولویت‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی درنهایت برنده می‌شود.

؟ چقدر به سیمرغ و جایزه فکر می‌کنید و اگر جایزه بگیرید فکر می‌کنید مسیر را برای بازیگری شما آسان می‌کند یا سخت‌تر؟

به‌طورطبیعی، هرکسی جایزه و تشویق شدن را دوست دارد و من نیز همین‌طورم اما واقعا هیچ‌وقت برای سیمرغ بازی نمی‌کنم و بیشتر برای عشق و علاقه‌ای که در روح و زندگیم جریان پیدا کرده، بازیگری را انتخاب کردم. نگاه مردم و مخاطب از جایزه برایم مهم‌تر است که مورد قبول آنها باشم. به این دیدگاه باور دارم که حضور در یک فیلم سینمایی، شرکت در یک اتفاق و رویداد جمعی است و هیچ‌وقت تنها به یک اتفاق فردی فکر نمی‌کنم. اگر جایزه بگیرم مسیر بازیگری برایم خیلی سخت‌تر و سطح توقع مخاطب و خودم خیلی بیشتر می‌شود. بعد از بازی در این نقش، مسیر بازیگری برایم خیلی جدی‌تر شده است و احساس می‌کنم باید با آگاهی خیلی بیشتر و مشورت درست در این مسیر قدم بردارم.

؟ چه دیدگاهی نسبت به جشنواره چهل‌ویکم و حواشی‌ای که پیرامون این رویداد شکل گرفت دارید؟

فکر کنم تنها چیزی که در این مورد می‌توانم بگویم در چند کلمه خلاصه می‌شود: به امید روزهای بهتر.

ابوالفضل نباتی، مدیر فیلمبرداری «آنها مرا دوست داشتند»

سفر درونی یک زوج جوان

از اواخر دهه ۹۰ نسل جوانی وارد عرصه فیلمبرداری سینمای ایران شده‌اند که همگی باانگیزه، مستعد و اهل چالش و تلاش برای رسیدن به بهترین کیفیت هستند و فیلم‌هایی که در این چهار پنج ساله اخیر هم تولید شده‌اند این ادعا را تایید می‌کنند. ابوالفضل نباتی، فیلمبردار جوان سینما هم جزو این طیف فیلمبرداران است که توانمندی‌های خاص خودش را دارد. او در جشنواره سال قبل فیلم فجر هم حضور موثری داشت.

نباتی در فیلمبرداری فیلم «آنها مرا دوست داشتند» با درک درست از مختصات اجتماعی و شهری فیلم فضای جذابی را در معرض دید بصری مخاطب فیلم قرار می‌دهد. با نباتی درباره حضورش در فیلم و ویژگی‌های فیلمبرداران نسل جوان و حضور فیلم در جشنواره فیلم فجر گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

؟ براساس چه ویژگی و مسائلی فیلمبرداری فیلم سینمایی آنها مرا دوست داشتند را قبول کردید؟

سابقه دوستی بلندمدتی و زیادی با ایرج رحمانی، مدیر تولید و جانشین تهیه‌کننده فیلم و همچنین محمدرضا رحمانی، کارگردان اثر دارم و برایم همکاری با این دو نفر جذاب و ارزشمند بود. در کنار این بحث وجود فیلمنامه‌ای اجتماعی و به‌روز برای من خیلی حائز اهمیت بود. فیلمنامه‌ای که بارها بازنویسی شد تا هر چه بیشتر کامل شود و بتواند درامی جذاب را در پیش‌روی مخاطب قرار بدهد. پتانسیل فیلمنامه برای من مشخص کرد که فیلم تولید شده به‌طور حتم اثر قابل‌توجه و خوبی می‌شود و بعد از خاتمه هم این مسأله تایید شد. فیلمنامه آنها مرا دوست داشتند در کنار فیلمنامه‌هایی که سال قبل مثل «لایه‌های دروغ» کارشان کردم بستر خوب کاری را برای من به وجود آوردند تا بتوانم توانایی‌هایم را بروز بدهم. فیلمبرداری فیلمی مثل لایه‌های دروغ که بخش اعظمش در خارج از کشور فیلمبرداری شده بود نیز مختصات خودش را داشت.

؟ چه ویژگی از فیلمنامه برای‌تان جذابیت داشت؟

بحث سفر درونی و جست‌وجویی که زوج جوان که شخصیت‌های اصلی فیلم هستند بحث جذابی بود و در فیلمنامه این طی طریق هنرمندانه نوشته شده بود و این جست‌وجو و رسیدن به مسائلی که پیش از شروع جست‌وجوی‌شان نسبت به آن غافل بودند آن‌قدر جذابیت دارد که مخاطب را با فیلم همراه می‌کند. در ابتدا با مسأله پیش آمده برای این زوج قصه‌ای شکل گرفته می‌شود و مسیری طولانی درباره چرایی وضعیت فرزندشان طی می‌شود. روندی که در برخی از مواقع برای‌شان چالش‌زاست و برای کشف حقیقت مجبور هستند به مناطق و خانه‌هایی از شهر بروند که برای‌شان مخاطراتی دارد. به‌تدریج متوجه می‌شویم که زیر پوست این شهر چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است و نسبت به آن شاید بی‌تفاوت بوده‌ایم. اتفاقاتی که شاید خیلی از مردم از آن بی‌اطلاع هستند.

؟ آیا کار فیلمبرداری در این محلات هم دشواری‌های خاص خودش را دارد؟

خود من بچه جنوب شهرم و تا بیست و چند سالگی و قبل از ازدواج در این محلات زندگی می‌کردم و به این محیط و اتمسفر شناخت دارم. مسائلی در این محلات رخ می‌دهد که شاید برای خیلی از آدم‌های طبقه متوسط شهری اتفاق نیفتاده باشد.

؟ فیلمبرداری فیلمی که قرار است بخش مهمی از آن در محلات کم وسعت و با تردد بسیار آدم‌های عادی رخ بدهد چه ویژگی‌هایی برای شما در پی داشت؟

یکی از چالش‌های بزرگ فیلم بحث فیلمبرداری داخل ماشین بود و طراحی میزانسن‌هایی بود که برای مخاطب خسته‌کننده و یکنواخت نباشد. سکانس‌های زیادی داشتیم که شخصیت‌ها درون ماشین بودند. در کنارش فیلمبرداری در فضاهای خارجی داشتیم که با نگاه رئالیستی بودن فضاهایی که مدنظر داشتیم باید هماهنگ می‌شد. بحث انتخاب دوربین و لنز مناسب در این قضیه و درست از کار درآمدن فضای فیلمبرداری بسیار مهم بود که بحث بودجه اختصاص یافته برای بخش فیلمبرداری را به میان می‌آورد و نمی‌شد تمام ملزومات مورد نظر را تهیه کرد که برخی‌شان گران‌قیمت بودند. صحنه‌های شب که درون شهر قرار بود فیلمبرداری شود مدت‌ها فکرم را معطوف به خودش کرده‌بود و نمی‌خواستیم نورپردازی گل‌درشت و مخصوصی داشته‌باشیم و تلاش کردیم نور هم‌راستا با نورهای واقعی درون شب شهر در محلات جنوبی باشد.

؟ آیا نورپردازی را بر اساس موتیف‌های رئالیستی چیدمان کردید؟

بله، خواست و نظر کارگردان این بود که اصلا نورپردازی حس نشود.

؟ یعنی نورپردازی فضای فیلم در لوکیشن‌های داخلی و شهری و خیابانی همانند نورهای واقعی در این مکان‌ها باشد؟

همین رویکرد را دنبال کردیم و تصور می‌کنم تا ۹۰ درصد به این خواسته رسیدیم. صحنه‌های ماشین که اشاره کردم و سکانس پلان‌هایی که کارگردان برای نمای داخل ماشین طراحی کرده‌بود نیز کار را برای من جذاب می‌کرد و در کارم تجربه جدیدی محسوب می‌شد.

؟ خیلی از فیلم‌های سینمایی که در همین جشنواره امسال نظیر «آه سرد» دیدیم موفقیت‌شان را مدیون فیلمبرداری‌شان هستند. آیا فیلمبرداری فیلم «آنها مرا دوست داشتند» نیز چنین ویژگی دارد؟

اگر دو سال قبل این موضوع را از من می‌پرسیدید پاسخ می‌دادم دوست دارم کارم در یک فیلم بیشتر از دیگران دیده شود. اما حالا با توجه به افزایش تجربیاتم، اعتقاد دارم همه اجزای فیلم باید در یک حد باشند تا فیلم را کامل کنند. فیلم آنها مرا دوست داشتند چنین مسأله‌ای را که پرسیدید، ندارد. من تلاش کردم هر آن چیزی مثل حرکت اضافی دوربین که به خودنمایی کار من منجر می‌شود، حذفش کنم و نخواستم دوربینم از فیلم جلو بزند. اگر این اتفاق بیفتد فیلمبرداری درست و ارزنده خواهد بود. البته فیلمبرداری فیلم یکی از ارکان موفقیت فیلم در مواجهه با مخاطب است.

؟ شما در فیلم لایه‌های دروغ سال قبل حضور داشتید که تولید مشترک میان ایران و فنلاند بود. سطح کیفی کار فیلمبرداران ایرانی با فیلمبرداران اروپایی و آمریکایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در بخش فیلمبرداری فیلم در ایران نورپردازی فنلاندی و فیلمبردار استرالیایی آن به ایران آمده بودند و در حین همکاری باآنها اذعان داشتند که بچه‌های فیلمبردار ایرانی نه تنها در یک حوزه کاری فیلمبرداری تبحر دارند بلکه در سایر بخش‌ها هم اطلاعات و نوع عملکردشان درخشان است. این فیلمبرداران خارجی در هر بخشی مثل «گپر»، «لایتینگ» و دپارتمان حرکتی فیلمبردار خاص خودشان را دارند. در حالی که یک فیلمبردار ایرانی به کمک دستیارش تمام این امورات را انجام می‌دهد و تک تخصص نیستند. البته باید در این بخش‌ها این دسته‌بندی‌ها و تقسیم شرح وظایف اعضای تیم فیلمبرداری مشخص باشد؛ همان چیزی که در سینمای اروپا، آمریکا و استرالیا انجام می‌شود و شاید به همین دلیل خیلی از نوع کار کردن ما تعجب می‌کردند. در خاتمه کار هم خیلی از عملکرد بچه‌های ایرانی راضی بودند و هنوز هم با آنها در ارتباط هستیم. ویژگی دیگر این تفکیک شغلی این است که باعث می‌شود تیم فیلمبرداری به حق و حقوق واقعی خودشان برسند. دستیاران بخش‌های فنی مثل فیلمبرداری و طراحی هنری همیشه در فیلم‌ها زحمات زیادی متحمل می‌شوند اما زحمات‌شان به اندازه کافی دیده نمی‌شود.

؟ چقدر به موفقیت فیلم در جشنواره فیلم فجر و به خصوص در بخش فیلمبرداری امیدوار هستید؟

اگر بگوییم بردن سیمرغ برایم مهم نیست، سخن چندان درستی نخواهد بود. سیمرغ جشنواره فیلم‌فجر برای هر هنرمندی جذابیت‌های زیادی دارد. همیشه دوست دارم در کشورمان موقعی که فیلمی ساخته می‌شود و من در آن حضور دارم و موقعی که در بخش فیلمبرداری وسایل مورد نیازم را اعلام می‌کنم قدرت مالی فیلم به حدی باشد که بتواند این امکانات را فراهم کند. منتهی فیلم «آنها مرا دوست داشتند» یک فیلم کاملا مستقل است که با هزینه شخصی تهیه‌کننده ساخته شده‌است و با توجه به بودجه فیلم، امکان فراهم کردن خیلی از وسایل و شرایط کاری مهیا نبود. البته موفقیت یک فیلم فقط به بودجه زیاد و امکانات درجه یک بستگی تام و کمال ندارد. ساختار فیلم و کیفیتش بسیار تعیین‌کننده است. به هر حال فیلم نتیجه تلاش چندماهه یک گروه حرفه‌ای است که آدم‌های عاشق به این حرفه در آن حضور داشتند. فیلم با یک تلاش جمعی درخور تقدیر برای نمایش در جشنواره آماده شد و رضایت مردم بعد از دیدن فیلم برای همه ما بسیار ارزشمند خواهد بود. فیلم سینمایی آنها مرا دوست داشتند فیلم مظلوم و بدون حاشیه‌ای است و اصلا بودجه‌اش قابل قیاس با خیلی از فیلم‌هایی که در جشنواره با بودجه دولتی ساخته شده‌اند، نیست.